



قضاوت زنان از دیدگاه فقها

نگارنده

افسانه سامری

پائیز ۱۳۹۳

شابک	978-600-93136-4-8 :
شماره	۳۶۰۹۵۸۱ :
کتابشناسی ملی	
عنوان و نام پدیدآور	: قضاوت زنان از دیدگاه فقها / نگارنده افسانه سامری
مشخصات نشر	: تهران: سرنوشت سازان، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: د. ۱۰۴ ص.
یادداشت موضوع	: کتابنامه: ص ۸۹-۹۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: قضاوت (فقه)
موضوع	: زنان قاضی (فقه)
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۳۷۵ :
رده بندی کنگره	: ۱۹۵/۱ BP ۱۳۹۳ ق ۲۵ س /
سرشناسه	: سامری. افسانه. ۱۳۵۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا

ناشر : انتشارات سرنوشت سازان (مدیر مسئول: مریم سیدزاده برآبی)

عنوان کتاب : قضاوت زنان از دیدگاه فقها

مؤلف : افسانه سامری

تیراژ : ۵۰۰ جلد

چاپخانه و صحافی : امیرگرافیک

نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۳

قیمت : ۱۵۰,۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۱۳۶-۴-۸

978-600-93136-4-8

۱ مقدمه

بخش اول کلیات

۴ بررسی تحول تاریخی حق قضاوت زنان در ایران:

بخش دوم مباحث عام و اصطلاحات

۱۰ ۱-۲- معنای لغوی و اصطلاحی قضا:

۱۰ ۱-۲- ۱- معنای لغوی قضا:

۱۱ ۱-۲- ۲- معنای اصطلاحی قضا:

۱۲ ۲-۲- منزلت مقام قضا:

۱۴ ۲-۳- صفات و شرایط قاضی:

۱۵ ۲-۳- ۱- بلوغ:

۱۶ ۲-۳- ۲- عقل:

۱۶ ۲-۳- ۳- ایمان:

۱۸ ۲-۳- ۴- کتابت:

۱۸ ۲-۳- ۵- حریت:

۱۹ ۲-۳- ۶- بصر:

۱۹ ۲-۳- ۷- حلال زاده:

۲۰ ۲-۳- ۸- عدالت:

۲۱ ۲-۳- ۹- اجتهاد:

۲۷ ۲-۳- ۱۰- ذکوریت:

بخش سوم دیدگاه فقهای فریقین

۳۱ ۳-۱- نظرات فقهای شیعه در مورد شرط ذکوریت:

۳۱	۱-۱-۳- فقهای ساکت درباره شرط ذکوریت
۳۲	۱-۲-۳- فقهای موافق قضاوت زن در شیعه
۳۶	۱-۳-۳- مخالفان قضاوت زن در شیعه
۴۱	۲-۳- فقهای اهل سنت
۴۱	۱-۲-۳- زن در تمام موارد شایستگی قضاوت دارد
۴۲	۲-۲-۳- زن شایستگی تصدی امر قضا دارد جز در آنجا که نمی‌تواند شهادت دهد
۴۳	۳-۲-۳- فقهایی که قضاوت زن را مطلقاً جایز نمی‌دانند

بخش چهارم مستندات

۴۶	۱-۴- بررسی ادله مورد استناد فقها در استناد به شرط ذکوریت
۴۶	۱-۱-۴- دلایل قرآنی
۵۳	۲-۱-۴- دلایل روایی
۵۸	روایاتی دیگر در توصیه به مخالفت با زنان:
۶۲	۱-۴-۳- وصیت پیامبر (ص) به امام علی (ع):
۶۵	۱-۴-۴- سیره پیامبر (ص) و خلفا
۷۲	۱-۴-۵- جماع

بخش پنجم نتیجه

۸۵	نتیجه گیری
۸۹	فهرست منابع

عدالت در توافد با معنی حق، متعالی ترین و ارزشمند ترین مفهوم در اذهان بشریت است که گاهاً حاضر به جان فشانی برای نیل به آن می‌باشند. برای نیل به عدالت و احقاق حق اول می‌بایست روش و قانون مناسب، عادلانه و قابل اجرا داشته باشیم تا جامعه طبق آن عمل نموده تا راه برای رسیدن به عدالت و حق هموار باشد. مسأله بعد از قانونگذاری مسأله قضاوت است. امر قضا به علت ارتباط آن با احقاق حق و عدالت می‌تواند از مقدس ترین مشاغل و یا از دنی ترین آنها شمرده شود.^۱ در هر جامعه ای هرچند متعالی و عدالت خواه اختلافاتی در اجرا تفسیر و نیز در مورد اشخاصی که قانون گریز می‌باشند پیش می‌آید که همانطور که بیان شد در هر جامعه ای امری اجتناب ناپذیر است به همین خاطر است که مسأله قضا از مسائل بحث برانگیز در مرحله بعد از قانون گذاری است؛ همچنین در دیدگاه اسلامی، همه مشاغل با اهمیت شمرده می‌شوند، زیرا پیش از آنکه مشاغل، منزلت اقتصادی داشته باشند، جنبه «وظیفه» و «تکلیف شرعی» دارند، لذا پذیرفتن هر شغلی مشروط به داشتن اهلیت و صلاحیت است. هرگاه کسی شغلی را بدون داشتن اهلیت بپذیرد، در صورتی که ضرورتی برای پذیرفتن آن شغل برایش نباشد، مسؤولیت شرعی دارد؛ لذا شرایط مخصوصی را برای شخصی که این منصب را به عهده می‌گیرد شمرده اند که بحث های فراوانی را موجب شده؛ چرا که قاضی نا عادل یا قاضی ای که شرایط قضا را نداشته باشد می‌تواند کل جامعه را، با توجه به اختیارات و قدرتی که در اختیار دارد، به فساد یا دوری از عدل و حق بکشانند.^۲ اگر قاضی از روی طمع ورزی با گرفتن رشوه حکم آزادی قاتلی را صادر کند اگر قاضی از روی رحم و توجه به احساسات شخصی حکم آزادی قاتلی را صادر کند چه اتفاقات ناگواری که رخ نخواهد داد!

^۱ لقمان حکیم در جواب فرشتگان که پرسیده بودند چرا به اختیار منصب قضا را نمی‌پذیری گفت: برای اینکه داوری در میان مردم سخت‌ترین منزلگاهها و مهمترین مراحل است و اموال ظلم و ستم از هر سو متوجه آن است، اگر خدا انسان را حفظ کند شایسته نجات است و اگر راه خطا برود از راه بهشت منحرف شده است کسی که در دنیا سربیزیر و در آخرت سر بلند باشد بهتر از کسی است که در دنیا سر بلند و در آخرت سر بیزیر باشد و کسی که دنیا را بر آخرت برگزیند به دنیا نخواهد رسید و آخرت را نیز از دست خواهد داد! مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۵۳، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱، چاپ دوم، سوره لقمان آیه ۱۲، ذیل آیه.

^۲ چون قوم لوط از شهر بیرون می‌شدند، و سر راه را بر مسافری که می‌خواستند به شهر آنان در آیند می‌گرفتند، و آنگاه هر یک سنگی به طرف آنها پرتاب می‌کردند، سنگ هر کس به هر کس می‌خورد، او را می‌گرفتند و اموالش را غارت می‌کردند، و با او عمل لواط انجام می‌دادند، و تازه سه درهم نیز شرامت می‌ستاندند، و در شهر قاضی داشتند که او هم همین طور قضاوت می‌کرد، و حق را به اهل شهر می‌داد. مکارم شیرازی، پیشین، سوره عنکبوت آیه ۲۵، ذیل آیه.

در بین شرایطی که برای تصدی امر قضا شمرده اند بلوغ، عقل، ایمان، عدالت، اجتهاد و... به چشم می خورد که درباره این صفات بحث ها و توضیحاتی صورت گرفته و اصولاً مورد اختلاف قرار نگرفته اند ولی یک شرط در این بین هست که تا حدودی مورد اختلاف بوده و آن شرط ذکورت است که موضوع مورد بحث این پژوهش می باشد. منع قضاوت زن با اینکه نظر مشهور فقهاست و بر آن ادعای اجماع شده ولی از آنجا که مباحث مربوط به آن در دوران بعد از امامان معصوم ایجاد شد خصوصاً امروزه مورد تشکیک قرار گرفته و گروهی از فقهای شیعی و اهل سنت با آن نظر مخالفند مخصوصاً که اجماع در فقه امامیه زمانی مورد استناد است که آن موضوع در زمان امامان و پیامبران رخ داده باشد.

همچنین امروزه با توجه به اینکه بخش عظیمی از جامعه را زنان تشکیل می دهند و از نقش گسترده ای در فعالیت های اجتماعی برخوردارند نگارنده بر آن است تا با بررسی دیدگاه های مختلف در فقه امامیه و اهل سنت درباره موضوع به دیدگاهی صحیح و منصفانه در این رابطه دست یابد. امروزه در جهان اسلام نمونه های فراوانی از مشارکت زنان در مجالس قانونگذاری و ریاست ادارات به چشم می خورد. زنان عهده دار مسئولیت هایی در سفارت خانه ها و وزارت خانه ها و نیز امور قضایی و امنیتی هستند در طی تاریخ دستخوش تحولاتی بوده است و خلاصه در فعالیت های مختلف اجتماعی حضور گسترده ای دارند که می بایستی با توجه به اختلاف نظرها در دیدگاه های فقهای شیعه و سنی در مورد قضاوت زنان به دیدگاهی نزدیکتر به صواب برسیم لذا این تحقیق و بررسی از اهمیت و ضرورت ویژه ای برخوردار است؛ لذا بررسی درباره این مبحث را خصوصاً با نیاز امروز جامعه دو چندان می نماید.

به نظر می رسد که پیشینه این مبحث در فقه شیعی از زمان آغاز فقه استدلالی از شیخ مفید و شاگردانش آغاز شده نخستین بار این موضوع در کتاب الخلاف و المیسوط شیخ طوسی مطرح می شود در میان علمای شیعی تا زمان محقق اردبیلی بر جواز قضاوت زنان، تردیدی روا نداشته این محقق در کتاب مجمع الوفاید و البرهان نسبت به این مسأله تردید نموده و به پیروی از ایشان تردید نسبت به این موضوع آغاز شده^۳ همچنین مطرح شده که از آنجایی که در زمان معصومین فرهنگ اشتغال زنان در مجامع حکومتی قضایی و...

^۳ دوستی بازنشین، سلمان، ۱۳۹۱، قضاوت زن در فقه اسلامی، انتشارات پرستش، چاپ نول، ص ۲۱ و ۲۲ (در این کتاب نویسنده در تأیید منع جواز زنان تقریر نموده است)

در آن زمان موضوعیت نداشته و مبتلا به آن نبوده بررسی در این باره نمی شده اما امروزه با افزایش حضور زنان در عرصه های مختلف شغلی بسیاری از شبهات شکل گرفته است.

www.ketab.ir